

Sources, goals and challenges of smart power in the foreign policy of the people's republic of China

Alireza Koohkan Corresponding author, Associate Professor, Department of International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran Email: koohkan2001@gmail.com

Erfan Ebrahimi Master's student in Regional Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: erfanspd78@gmail.com

Article Info

Article Type:
Reserch Article

Keywords:
Smart Power,
Hard Power,
Soft Power,
Foreign Policy,
China

ABSTRACT

In the contemporary era, China's rising power is considered the most significant economic challenge to the United States, directly threatening the international system and its structure. From another perspective, the global idea of a new Chinese world order is gaining traction, which has significantly influenced China's foreign policy goals. The Chinese government has used both hard and soft power strategies simultaneously and has succeeded in integrating them into its foreign policy. According to the authors, China has intelligently used smart power to resolve mentioned issues and develop its foreign policy. This research aims to answer the question of how China's smart power has responded to the objectives and challenges in its foreign policy. To achieve this goal, a descriptive-analytical method has been used. The research method is applied and qualitative and data collection is done through library resources and by referring to books, articles and credible internet databases. The results of the research show that China's smart power policy has been implemented in such a way that is has sought to achieve the policy of cooperation within competition. However, the Chinese government still faces serious cultural challenges in the public sphere, conflicts with neighboring countries, imbalances in economic and political structures and the perception of threat..

Cite this Article: Koohkan, A. and Ebrahimi, E. (2025). The goals and challenges of smart power in People's Republic of China's foreign policy. *International Relations Researches*, 15(1), 223-250. doi: 10.22034/irr.2025.492123.2638



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2025.492123.2638

منابع، اهداف و چالش‌های قدرت هوشمند در سیاست خارجی جمهوری خلق چین

علیرضا کوهکن نویسنده مسئول، دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
رایانامه: koohkan@atu.ac.ir

عرفان ابراهیمی دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
رایانامه: erfanspd78@gmail.com

در باره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	در عصر کنونی، از قدرت‌یابی چین به عنوان مهمترین چالش سیاسی اقتصادی ایالات متحده آمریکا یاد می‌شود که مستقیماً نظام بین‌الملل و ساختار آن را تحت شعاع خود قرار داده است. از سویی دیگر در نگاه افکار عمومی جهان، نوعی «چین‌هراسی» رواج یافته که مانعی جدی در جهت پیشبرد اهداف سیاست خارجی چینی‌ها محسوب می‌شود. بنابراین چین در راستای رشد و توسعه خود نیازمند راهبردی است که همزمان دو قدرت سخت و نرم را جمع کرده و در همراستایی آن‌ها به کنشگری در سیاست خارجی بپردازد. به زعم نگارندگان این نوشتار، چین بدنبال آن است که با استفاده از قدرت هوشمند مشکلات ذکرشده را حل کرده و توسعه سیاست خارجی خود را تسریع کند. به همین جهت در این پژوهش تلاش شده تا بدین پرسش پاسخ داده شود که اهداف و چالش‌های چین در بهره‌گیری از قدرت هوشمند در سیاست خارجی کدامند؟ روش پژوهش استفاده شده، توصیفی - تبیینی، گونه‌ی پژوهش موردی - کاربردی و راهبرد آن قیاسی می‌باشد. همچنین شیوه‌ی گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتب، مقالات و پایگاه‌های اینترنتی معتبر می‌باشد. شیوه انجام پژوهش هم مبتنی بر چهارچوب نای در بررسی قدرت هوشمند و بررسی اجزا ارائه شده توسط نای می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هدف چین از قدرت هوشمند تحقق سیاست «همکاری در عین رقابت» و چالش‌های آن عبارت از تله بدهی، چین‌هراسی، کرونا، عدم جذابیت فرهنگ، ضعف در دیپلماسی عمومی، اختلاف با همسایگان و عدم تعادل میان رشد اقتصادی و نظامی است.
کلیدواژه‌ها: قدرت هوشمند، قدرت سخت، قدرت نرم، چین، سیاست خارجی	
تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۳۰	

استناد به این مقاله: کوهکن، علیرضا و ابراهیمی، عرفان. (۱۴۰۴). اهداف و چالش‌های قدرت هوشمند در سیاست خارجی جمهوری خلق چین. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۵(۱)، ۲۲۳-۲۵۰. doi: 10.22034/irr.2025.492123.2638

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





دولت‌ها برای دستیابی به اهداف و منافع خود نمی‌توانند صرفاً با بسندگی به قدرت سخت به مقصود خود برسند؛ چرا که ابعاد و روابط قدرت از موضوع هژمونی، درگیری و مبارزه‌ی متقابل به شکلی آمیخته از همکاری و رقابت تغییر ماهیت داده است. کشوری مانند چین که از لحاظ منابع قدرت در حال نزدیک شدن به ایالات متحده است، برای کاهش بیشتر این فاصله به تقویت قدرت نرم خود نیاز مبرم دارد؛ چرا که همگام با رشد قدرت سخت بویژه در حوزه اقتصاد، بدبینی و هراس بین‌المللی را نسبت به ظهور آن افزایش می‌دهد و شرایط نامطلوبی را برای این کشور در عرصه بین‌الملل فراهم می‌کند. بنابراین کشور چین در راستای رشد و توسعه خود نیازمند راهبردی است که همزمان دو قدرت سخت و نرم را تجمیع کرده و در همراستایی آن‌ها به کنشگری در سیاست خارجی بپردازد. قدرت هوشمند، مفهومی ترکیب شده از دو قدرت سخت و نرم است و به زعم نگارندگان این نوشتار، راهبرد اتخاذ شده توسط چین برای بازیگری مناسب و تقویت توسعه در سیاست خارجی است. اهمیت پژوهش از آن جهت است که در عصر کنونی، از قدرت‌یابی چین به عنوان مهمترین چالش سیاسی اقتصادی ایالات متحده آمریکا یاد می‌شود که مستقیماً نظام بین‌الملل و ساختار آن را تحت شعاع خود قرار داده است و ضرورت آن بدین جهت است که این رفتار قطعاً بر منافع جمهوری اسلامی ایران نیز اثر خواهد گذاشت و استفاده از آن در سیاست خارجی کشور یک نیاز مبرم است.

آن گونه که از سند امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۲۲ برداشت می‌شود، از چین به عنوان تنها رقیبی نام برده می‌شود که قصد دارد نظم بین‌المللی را تغییر دهد و برای رسیدن به این مقصود، به طور فزاینده‌ای قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و فناوری در اختیار دارد. (National Security Strategy, 2022: 23-24) از سویی دیگر در نگاه افکار عمومی جهان، نوعی «چین‌هراسی» ترویج یافته که مانعی جدی در جهت پیشبرد اهداف سیاست خارجی چینی‌ها محسوب می‌شود. بنابراین شناخت و تبیین منابع قدرت، شکل و ساختار قدرت، ابزارها و اضلاع تشکیل‌دهنده‌ی این قدرت نوظهور، امری ضروری است.

دانشمندان روابط بین‌الملل، قدرت را به انواع و اقسام متفاوتی همچون نوع، کارکرد، ماهیت یا از آن جهت که معطوف به چه برآیندی شود، تقسیم‌بندی کرده‌اند. در این پژوهش از چارچوب مفهومی «قدرت هوشمند»^۱ مبتنی بر نظرات جوزف نای استفاده خواهد شد. مفروض پژوهش استفاده چین از قدرت

¹ Smart power



هوشمند است و براساس تقسیم بندی نای، منابع، اهداف و چالشهای قدرت هوشمند چین بررسی خواهد شد و تلاش می‌گردد تا بدین پرسش پاسخ داده شود که اهداف و چالش‌های چین در بهره‌گیری از قدرت هوشمند در سیاست خارجی کدامند؟ فرضیه اولیه بر این مبتنی است که هدف چین از قدرت هوشمند تحقق سیاست «همکاری در عین رقابت» و چالش‌های آن عبارت از تله بدهی، چین‌هراسی، کرونا، عدم جذابیت فرهنگ، ضعف در دیپلماسی عمومی، اختلاف با همسایگان و عدم تعادل میان رشد اقتصادی و نظامی است. روش پژوهش حاضر، توصیفی - تبیینی، گونه‌ی پژوهش موردی - کاربردی و راهبرد آن قیاسی است. همچنین شیوه‌ی گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتب، مقالات و پایگاه‌های اینترنتی معتبر می‌باشد. شیوه انجام پژوهش هم مبتنی بر چارچوب نای در بررسی قدرت هوشمند و بررسی اجزا ارائه شده توسط نای می‌باشد. در انتها نیز نتیجه پژوهش ذکر خواهد شد.

۱. پیشینه و نوآوری پژوهش

با توجه به اینکه قدرت هوشمند از مفاهیم جدید علم روابط بین‌الملل است، آثار غالباً انگلیسی زبان موجود در این زمینه، به توصیف این چهارچوب مفهومی پرداخته‌اند. به صورت مطالعه موردی، آثار موجود درخصوص قدرت هوشمند چین، پرشمار نیست و می‌توان آنها را در دو دسته کلی تقسیم بندی کرد. در دسته اول، اغلب پژوهش‌های موجود جای می‌گیرند که به ارائه توصیف این قدرت در سیاست خارجی چین و به بیان منابع این قدرت بسنده کرده‌اند. مقاله‌ی «استراتژی قدرت هوشمند چین» نوشته‌ی الهام رسولی ثانی‌آبادی و مجتبی روستایی (۱۳۹۵) و مقاله‌ی «تبیین جایگاه قدرت هوشمند چین در سیاست خارجی چین» به قلم افشین شامیری شکفتی و دیگران (۱۳۹۷) از آن دسته آثاری است که به توصیف قدرت هوشمند و بیان منابع این قدرت در سیاست خارجی چین پرداخته‌اند. در دسته دوم، آثار انگشت شماری در دسترس‌اند که مانند مقالات «راهبرد قدرت هوشمند چین در آفریقا» از بهاره سازمند و زهرا درستکار (۱۴۰۱)، «قدرت هوشمند چین در دانش و فناوری» از ژوران یانگ^۱ (۲۰۲۴) و «راهبرد قدرت هوشمند چین در خاورمیانه» نوشته‌ی حسن آلتین^۲ (۲۰۲۲) کوشیده‌اند علاوه بر توصیف چيستی قدرت هوشمند چین به صورت موردی، کاربرد این قدرت را در یک موضوع مشخص بررسی

¹ Zhuoran Yang

² Hasan Altin



کنند که برخلاف آثاری که صرفاً بر چیستی و توصیف قدرت هوشمند چین می‌پردازند، کاربست بیشتری در حوزه قدرت هوشمند چین داشته‌اند. اما وجه تمایز پژوهش حاضر با آثار مذکور در این است که نگارندگان کوشیده‌اند، ضمن اشاره به چیستی قدرت هوشمند چین و منابع قدرت آن، اهداف بین‌المللی و چالش‌های این راهبرد در سیاست خارجی چین مورد واکاوی قرار دهند و به عبارت دیگر، اجزای پنج‌گانه نظریه نای در این خصوص را کامل بررسی کنند.

۲. چارچوب مفهومی پژوهش؛ قدرت هوشمند

قدرت سخت و نرم در پیوند یکدیگرند؛ زیرا هر دو جنبه‌هایی از توانایی دستیابی به هدف بوسیله‌ی تاثیرگذاری بر دیگران می‌باشد. به سخنی ساده‌تر، از لحاظ رفتاری، قدرت نرم، قدرت جذابیت‌هاست و منابع این قدرت، دارایی‌هایی را دربرمی‌گیرد که چنین جذابیتی را برای تاثیرگذاری بر دیگران ایجاد می‌کند. (Nye, 2004: 5-7) منابع قدرت سخت شامل جمعیت، منابع طبیعی، فناوری، بنیه اقتصادی و نظامی است اما منابع قدرت نرم دربرگیرنده‌ی فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی می‌باشد. (Nye, 2004: 11) از این منظر می‌توان مهمترین عوامل تمایزکننده‌ی قدرت سخت و نرم را در مادی و ملموس بودن قدرت سخت و غیرمادی و برساخته بودن قدرت نرم دانست. (شارپ، ۱۳۸۹: ۱۷-۲۰)

مقصود از قدرت هوشمند ترکیب دو قدرت سخت و نرم، بوسیله‌ی منابع مزبور جهت تقویت سیاست خارجی یک کشور می‌باشد. واژه‌ی قدرت هوشمند، نخستین‌بار توسط سوزان نوسل^۱ در مقاله‌ای تحت عنوان «قدرت هوشمند» مطرح شد. نوسل این مفهوم را در واکنش به اختلافات دو طیف محافظه‌کار و انترناسیونالیست‌های لیبرال بکار برد که پس از رویداد ۱۱ سپتامبر بر سر چگونگی اقدام نظامی و صدور ارزش‌های لیبرالی به جدل می‌پرداختند. (Nossel, 2004: 131-142)

اما آن کسی که به صورت ژرف‌تر به مقوله قدرت هوشمند پرداخت و آن را وارد مباحثات آکادمیک کرد، جوزف نای^۲ بود که در کتاب خود تحت عنوان «آینده قدرت»^۳ به واکاوی این مفهوم پرداخت. جوزف نای بر این باور است که قدرت نرم، بسته به نحوه‌ی استفاده از آن می‌تواند از منظر هنجاری، خوب یا بد باشد اما قدرت هوشمند، یک مفهوم ارزشی و توصیفی است و افرادی که قدرت هوشمند

¹ Suzanne Nossel

² Joseph Nye

³ The future of power



را معادل مدل تقویت شده‌ی قدرت نرم می‌پندارند، در اشتباه هستند. (Nye, 2011: 23) در شرایطی که در سده‌ی بیست و یکم با پراکندگی قدرت و ظهور بازیگران جدید رو به رو هستیم، نای قدرت هوشمند را نه راهبردی برای افزایش قدرت یا حفظ هژمونی، بلکه یافتن راهکارهایی برای ترکیب منابع قدرت می‌داند. بنابراین به صورت کلی می‌توان چنین بیان کرد که قدرت هوشمند، ادغام و شبکه‌سازی هوشمند دیپلماسی، دفاع، توسعه و سایر ابزارهای قدرت سخت و نرم است. (Nye, 2011: 207-209)

قدرت هوشمند، ویژه‌ی سده بیست و یکم است که در آن روابط دولت‌ها از ماهیت «هژمونی و منازعه» به حالت «رقابت و همکاری» ارتقا یافته است. برای این منظور، بایستی به تعادل‌سازی قدرت میان سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای دولت پرداخت. چند دلیل درخصوص تمایل دولتمردان به سوی بهره‌مندی از قدرت هوشمند را می‌توان برشمرد؛ نخست آنکه وابستگی‌های متقابل اقتصادی در حال افزایش است که حفظ و استمرار آن نه صرفاً با قدرت سخت میسر می‌شود و نه صرفاً با قدرت نرم. دوم آنکه هزینه‌های گسترش و استفاده از فناوری‌های پیشرفته نظامی افزایش یافته و دولت‌ها برای تامین امنیت باید به راهکارهایی روی آورند که تهدیدات و هزینه‌ها را کاهش دهد. سوم، رشد سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی، دولت‌ها را به شبکه‌هایی از همکاری مطابق با هنجارها و رویه‌های بین‌المللی وارد نموده است که چشم‌پوشی هر دولت از آن‌ها موجب هزینه‌سازی علیه آن دولت می‌گردد. (Gallarotti, 2015: 9-12)

جوزف نای پنج گام را در مسیر ساخت یک راهبرد موفق در تحقق قدرت هوشمند برای آمریکا ترسیم می‌کند که می‌توان این گام‌ها را به دیگر دولت‌ها نیز تعمیم بخشید. بر این اساس، گام نخست مشخص کردن اهداف، گام دوم تهیه فهرستی از منابع موجود و سنجش نوسانات منابع در پرتو تغییر شرایط، گام سوم ارزیابی منابع، گام چهارم گزینش از میان رفتارهای قدرت¹ و تنظیم تاکتیک‌ها و سرانجام گام پنجم شناخت و ارزیابی دقیق احتمالات موفقیت و چالش‌ها در مسیر دستیابی به اهداف می‌باشد. (Nye, 2011: 218-229)

این مقاله از همین تقسیم‌بندی استفاده خواهد کرد و بر همین اساس سعی خواهد کرد تا استفاده چین از قدرت هوشمند را ارزیابی کند. در همین راستا ابتدا، هدف چین از قدرت هوشمند بررسی خواهد شد. سپس فهرست منابع، سنجش نوسانات و ارزیابی عملیاتی منابع قدرت هوشمند چین انجام خواهد

¹ Power behaviors



شد. گام بعدی، گزینش میان اقدامات چین در قدرت هوشمند و تاکتیک‌های این کشور است و در نهایت چالش‌های چین در استفاده از قدرت هوشمند بررسی خواهد شد.

۳. هدف قدرت هوشمند چین؛ همکاری در عین رقابت

بعد از سال ۲۰۰۱، با توجه به قدرت بالقوه چین، توجه آمریکا به این کشور معطوف شد و دو دسته نگرش کلان در دستگاه تصمیم‌گیری آمریکا پدید آمد: نگرش نخست، طرفداران مشارکت چین در امور جهانی و جستجوی زمینه‌ی مشترک با پکن در رسیدگی به مسائل جهانی است؛ این گروه بر این باورند که چین و آمریکا از لحاظ سیاسی و اقتصادی وابستگی‌های زیادی به یکدیگر دارند. داشتن دغدغه‌های مشترک در حوزه‌ی تروریسم و حفظ ثبات بازارهای جهانی از ضرورت‌های تحکیم این روابط می‌باشد. همچنین به دلیل نیاز چین به توسعه اقتصادی، این کشور مجبور است تا در قبال مسائل گوناگون منطقه‌ای و بین‌المللی محافظه‌کارانه رفتار نماید. نگرش دوم مربوط به طرفداران مهار چین است که این کشور را به عنوان تهدیدی جهانی تلقی می‌کنند. این گروه قدرت بالقوه چین، رشد بودجه‌ی نظامی و پتانسیل آن کشور برای به چالش کشیدن منافع استراتژیک آمریکا را عامل تهدیدی برای ثبات و امنیت بین‌المللی می‌دانند. این گروه همچنین بیان می‌کنند که تفاوت‌های فکری و ایدئولوژیکی در زمینه‌ی حقوق بشر، دموکراسی، مداخله دولت در اقتصاد و سیاست‌های حمایت‌گرایانه موجب برخورد این دو کشور خواهد شد. بنابراین اتخاذ رویکرد مهار و سد نفوذ این کشور بمانند شوروی امری ضروری در سیاست خارجی است. (Lanteigne, 2009: 93)

اما فارغ از نوع نگرش آمریکایی‌ها به قدرت‌گیری چین، در صحنه تصمیم‌گیری این کشور، آنچه که مورد پیگیری قرار گرفته سیاست «همکاری در عین رقابت» بوده است؛ در واقع رهبران پکن با پذیرش قواعد و هنجارهای نظام بین‌الملل، به همکاری، مشارکت و تعامل پرداختند و تلاش کردند از چهره‌ی خود به عنوان کشوری مسئولیت‌پذیر، هنجارمند، صلح‌گرا، حافظ نظم پسا جنگ سرد و طرفدار تجارت آزاد نشان دهند اما به موازات توسعه و قدرت‌گیری در این بستر، از پتانسیل و منابع قدرت خود به صورت هوشمند بهره می‌گیرند تا بدین وسیله جایگاه بین‌المللی خود را بیش از پیش ارتقا ببخشند. در واقع نوع کنش چین را می‌توان «پذیرش به درون نظم و ارتقای خود» در نظر گرفت که در این میان موجب تضاد منافع با آمریکا شده است. به بیانی دیگر چین نخست با تنش‌زدایی و پذیرش نظم بین‌الملل پسا جنگ سرد، «خیزش» کرد و سپس با تعامل با این نظام، رو به «جهش» آورد. قدرت هوشمند ابزاری جهت بهینه کردن این جهش است. بر همین اساس، طرفداران مهار چین، مدارا و تعامل آمریکا را در



این زمینه مورد نکوهش قرار می‌دهند و ارتقای قدرت هوشمند چین را خطری برای تغییر نظم بین‌المللی و سست شدن جایگاه هژمونی آمریکا تلقی می‌کنند.

۴. سنجش نوسانات و ارزیابی عملیاتی منابع قدرت هوشمند چین

براساس چارچوب مفهومی و تقسیم‌بندی گام‌های ارزیابی صورت گرفته از سوی جوزف نای، در این قسمت به گام دوم و سوم مورد نظر جوزف نای اشاره می‌شود که شامل فهرست کردن منابع، سنجش نوسانات و تغییرات منابع و همچنین ارزیابی عملیاتی از این منابع است. همانگونه که در بخش تعاریف اتفاق افتاد، منابع قدرت هوشمند شامل منابع قدرت نرم و منابع قدرت سخت است. به همین جهت در ادامه به این دو موضوع در سه حوزه فهرست، سنجش نوسانات و ارزیابی عملیاتی پرداخته خواهد شد.

۴-۱. منابع نرم قدرت هوشمند چین

۴-۱-۱. اندیشه‌های باستانی چین

مهمترین و اصلی‌ترین نمود فرهنگی این کشور، مکتب فلسفی کنفوسیوسی است و از نفوذ ژرفی در جامعه چین برخوردار است. اندیشه‌ی کنفوسیوس متشکل از آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی، پاسداشت نظم سلسله مراتبی، گرامیداشت بزرگان و نوع روابط انسانی در جامعه می‌باشد. محوریت آرای او بر مقوله اخلاق می‌گردد و به «لی» یعنی آیین و قواعد رفتار انسان توجه می‌کند. از این منظر دولت نهادی اخلاقی است که به عنوان محصول غایی تکامل دیرپای اجتماعی پدیده آمده است. (عالم، ۱۳۷۷: ۲۴-۲۹) هدف و نیت کنفوسیوس، گسترش هارمونی اجتماعی (توازن و هماهنگی) بود. (کیسینجر، ۱۴۰۰: ۲۲-۱۹) بدین ترتیب هارمونی دلالت بر روابط متوازن و هماهنگ جهان دارد و آموزه‌ی «مین»^۱ از اصلی‌ترین ارزش‌های فرهنگ چینی است که ارتباطی مستقیم با هارمونی دارد. از نگاه چینی‌ها در صورتی می‌توان به مین دست یافت که به دو اصل یین و یانگ^۲ توجه شود.

یین و یانگ نگاهی مبتنی بر دوگانه‌انگاری و متضادی است که بر جریان هستی حاکم است. منفی و مثبت بودن آن‌ها نه به معنای خوب و بد ذاتی آن‌ها بلکه منظور موازنه‌ی هماهنگی است که در کنار هم توازن را می‌سازند؛ مانند سیاه و سفید، شب و روز، زمستان و تابستان، راست و چپ و ما و آن‌ها. بنابراین این اندیشه توضیح‌دهنده و دربرگیرنده‌ی روابط انسان با انسان، انسان با طبیعت، انسان با جامعه و روابط

¹ Min

² Yin & Yang



میان ملت‌ها می‌باشد. (Chen, 2009: 86). از دیگر ویژگی‌های اندیشه‌ی کنفوسیوس توجه او به ثروت-اندوزی و رفاهمندی است که در این بستر وظیفه‌ی حکومت توزیع عادلانه ثروت است تا علاوه بر برچیدن فقر، پایه‌های اقتصادی جامعه به خوبی ریشه بگیرد. (آشوری، ۱۳۵۸: ۸۹ و ۱۳۷) توجه تاریخی چین به ثروت‌اندوزی و رفاهمندی همراه با مذمت بازرگانی، دو امر متناقضی است که چین امروز تفسیر آن را به سود خویش دگرگون ساخته است؛ بویژه آنکه پس از جنگ سرد تا به کنون، تجارت آزاد را جهت افزایش ثروت، رفاه و رشد اقتصادی خود گسترش داده و جایگاه خود را در نظام بین‌الملل ارتقا بخشیده است. از دوران جیانگ زمین^۱ سیاست‌هایی در راستای جایگزین کردن یا تعدیل‌سازی سوسیالیسم با اندیشه‌های کنفوسیوسی در پیش گرفته شد که در دوران رهبری هو جین تائو^۲ به اوج خود رسید و تلاش گردید، فضایل کنفوسیوسی با اصول جمع‌گرایانه نظام سوسیالیستی ترکیب و ادغام شود. (Cho & Jeong, 2008: 471) در نهایت می‌توان ویژگی‌های برجسته‌ی اندیشه‌های باستانی چین را بدینگونه برشمرد: (۱) اندیشه‌ی چینی بشردوستانه است. (۲) هماهنگ‌سازی و توازن‌سازی انسان با طبیعت و نه چیرگی بر آن. (۳) باورمند به تکثرگرایی آیینی. (۴) تاکید بر آزادی‌خواهی و صلح‌گرایی (پیرویان، ۱۳۹۸: ۲۶۷ و ۲۶۸) (۵) ضرورت رفاهمندی اقتصادی (۶) جهانشمول‌گرایی و توجه به سیاست به مثابه امری اخلاقی.

۴-۱-۲. سوسیالیسم چینی

دولت چین خود را سوسیالیستی می‌نامد که با یک خوانش چینی، آن را به عنوان بهترین نظام فکری و سیاسی تلقی می‌کند. شی جین پینگ رییس جمهور این کشور در یک سخنرانی در کنگره خلق، سوسیالیسم را تنها راه نجات چین اعلام کرد. (شی جین پینگ، ۲۰۱۸) چین از سال ۱۹۹۲، مدل اقتصادی خود را «اقتصاد بازار سوسیالیستی»^۳ نامیده است. در واقع در این مدل اقتصادی، دولت به عنوان بازیگر اصلی اقتصادی عمل می‌کند و از بازارها عمدتاً برای منافع سیاسی استفاده می‌شود. (Naughton, 2017: 20 & 3) اما در دوره پساجنگ سرد تا به کنون، سوسیالیسم در چین، به مراتب بیش از اقتصاد، در اجتماع، سیاست و فرهنگ نمود دارد که باتوجه به وجود برخی عناصر تاریخی و فرهنگی چین موجب شده تا سوسیالیسم در جامعه‌ی چینی به خوبی مستحکم گردد. یکی از مهمترین ویژگی‌های مکتب

¹ Jiang Zemin

² Hu Jintao

³ Socialist market economy



سوسیالیسم، خاصیت جمع‌گرایانه آن است. ارزش‌های مهم فرهنگ باستانی چین مانند خانواده‌محوری و توجه به نظم سلسله‌مراتبی مکمل عنصر جمع‌گرایی سوسیالیسم شده و از این جهت چینی‌ها، سوژه‌های جمعی با جهت‌گیری گروهی هستند. (Wong, 2001: 6) بنابراین جمع‌گرایی نه بواسطه‌ی انقلاب کمونیستی بلکه برگرفته از یک سنت کهن است که از اندیشه و نگرش‌های چینی نشأت می‌گیرد. از این لحاظ فردگرایی در قاموس لیبرالیسم قابل اجرا در جامعه‌ی چین نمی‌باشد.

چین تا پیش از آغاز اصلاحات، مالکیت خصوصی را به هیچ‌عنوان به رسمیت نمی‌شناخت اما در طی اصلاحات صورت گرفته بتدریج از سال ۲۰۰۴ به بعد دولت اقدام به صدور مجوز فعالیت به بخش خصوصی در چارچوب نظارت و کنترل دولت نمود. اگرچه برنامه‌های دولتی در چین به میزانی کاهش یافته با اینحال همچنان بخش قابل توجهی از اقتصاد تحت کنترل دولت می‌باشد. به عنوان نمونه هزینه‌های مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی برای ۹۵٪ جمعیت تا سال ۲۰۲۰ از راه سه برنامه بیمه عمومی پوشش داده شد. (Steh, 2023) از مجموع این عوامل می‌توان به این نتیجه رسید که چین دولتی سوسیالیستی با رگه‌هایی از سرمایه‌داری می‌باشد که می‌توان از آن تحت عنوان سرمایه‌داری دولتی یاد کرد. این موضوع موجب داعیه‌داری چین در داشتن یک مدل و الگوی توسعه‌ی منحصر بفرد شده است.

۳-۱-۴. صلح چینی و چندجانبه‌گرایی

منظور چین از «ظهور صلح‌آمیز»^۱ که بعدها با مفهوم توسعه‌ی صلح‌آمیز^۲ جایگزین شد، یک سیاست رسمی است که تحت رهبری هو جین تائو در جهت رد نظریه تهدید چین، مطرح شد و این مفهوم، توصیف‌کننده‌ی چین به عنوان یک بازیگر جهانی مسئولیت‌پذیر است. علاوه بر آن، برنامه‌ی «دیپلماسی همسایگی»^۳ را با تأکید بر حسن همجواری، دوستی و مشارکت با همسایگان خود پیگیری نمود. این در حالی است که چین با اغلب همسایگان خود همچون فیلیپین، ژاپن، ویتنام، اندونزی، هند، تایوان و مالزی منازعات سرزمینی دارد. با گسترش توان اقتصادی و افزایش قدرت این کشور، سیاست‌های چین در قبال اختلافات سرزمینی آفندی‌تر شده است. براساس نظریه رئالیسم تهاجمی، هرچه چین نیرومندتر باشد، بهتر می‌تواند اختلافات خود را براساس شرایطی که به نفع خود است حل و فصل نماید. (Pathak, 2015:1-2) براساس سند دفتر اطلاعات شورای دولتی جمهوری خلق چین، الگوی توسعه چینی با

¹ Peaceful rise

² Peaceful development

³ Neighborhood diplomacy

طرح ایده‌های صلح‌آمیز همراه بوده که آنها را به عنوان خدماتی به بشریت محسوب می‌کنند. در این رابطه رهبران چینی راهکارهای جهانی و دیپلماتیکی ارائه کرده‌اند که در عین توسعه، به صلح جهانی نیز کمک شده است؛ از آن موارد می‌توان به ارائه پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز (احترام متقابل به حاکمیت ملی، عدم تجاوز به تمامیت ارضی کشورها، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، برابری و همزیستی مسالمت‌آمیز) در بدو تشکیل جمهوری خلق چین اشاره کرد که این موارد به هنجارهای مهم بین‌المللی تبدیل شدند. (دفتر اطلاعات شورای دولتی چین، ۱۳۹۸: ۱۰-۱۱) در همین راستا در استراتژی نظامی ۲۰۱۵ چین، چنین اعلام شده که پکن مسیر توسعه‌ی صلح‌آمیز خود را به همراه یک سیاست خارجی صلح‌گرایانه با ماهیت تدافعی دنبال خواهد کرد و با هژمونیس^۱ و سیاست قدرت در هر شکلی مخالف است و هرگز به دنبال هژمونی و سلطه‌طلبی نخواهد بود. (China's Military Strategy, 2015) همچنین پکن همواره مراقب بوده است تا به عنوان بازیگر مداخله‌گر تلقی نشود و در امور داخلی و سیاسی کشورهای جهان مداخله نداشته باشد و یا در قبال مسائل مناقشه‌برانگیز جهانی موضعی صریح اتخاذ ننماید. برای نمونه، مداخله‌ی چین در روند صلح فلسطین ناچیز بوده و نیز از پیوستن به ائتلاف علیه داعش خودداری ورزید. (Scobell & Nader, 2016: 6)

اتخاذ رویکرد میانجی‌گرانه در سیاست خارجی از سوی چینی‌ها جلوه‌ایی دیگر از صلح‌گرایی آن‌هاست. میانجیگری میان ایران و عربستان در اواخر سال ۲۰۲۳، اقدامی بود تا علاوه بر منتفع شدن از همکاری‌های اقتصادی، موجب افزایش قدرت نرم و مشروعیت و مقبولیت در میان کشورهای خاورمیانه گردید. همچنین درخصوص مسئله جنگ اوکراین، چین بجای موضع‌گیری جانبدارانه، به ارائه یک طرح ۱۲ ماده‌ای روی آورد تا نقش صلح‌گرایانه خویش را پررنگ سازد. (خداقلی‌پور، ۱۴۰۱)

۴-۱-۴. دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی ابزاری است که دولت‌ها با بهره‌گیری از منابع قدرت نرم، توده‌های مردم جهان را به الگوهای کشور خود جذب می‌کنند تا در این راستا منافع ملی خود را پیگیری نمایند. (Dougherty, 2013: 11-12) دیپلماسی عمومی برگرفته شده از اقتناع، گفتگو و مفاهمه می‌باشد و در نظرگاه لیبرال‌ها، صلح زمانی محقق می‌شود که گفتگو و مفاهمه میان طرفین شکل بگیرد. دیپلماسی عمومی چین مانند فرانسوی‌ها تاکید بر تبادلات فرهنگی دارد. یکی از این تبادلات مربوط به تاسیس موسسات کنفوسیوس

¹ Hegemonism



در سراسر جهان می‌باشد؛ این موسسات از راه راه‌اندازی کلاس‌های آموزشی، برگزاری همایش و نمایش و دیدار با دانشمندان چینی تلاش می‌کنند زبان و فرهنگ چینی را گسترش دهند. (مومنی و خانگل‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۱۸-۱۱۵) تا سال ۲۰۱۹ در ۱۵۴ کشور، ۵۴۸ موسسه کنفوسیوس و ۱۱۹۳ کلاس درس کوچکتر کنفوسیوس بازگشایی شد که در تعداد خود قابل توجه است. (Akdag, 2022: 211) یکی از راهکارهای دولت چین جهت ترویج زبان چینی تاسیس یک سازمان دولتی بنام «هان‌بان» است. این سازمان در سال ۱۹۸۷ تاسیس شد و از سال ۲۰۰۴ به دانشگاه‌های خارجی به جهت تاسیس مراکز مطالعات زبان و فرهنگ چینی کمک‌های مالی اعطا می‌کند. علاوه بر کمک مالی، این سازمان به این مراکز مدرس چینی هم اعزام می‌نماید. چینی‌ها این گونه اقدامات را نمادی از دیپلماسی عمومی یا «دیپلماسی لبخند» تلقی می‌کنند. (نریمانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۵-۱۹۶) یکی دیگر از سازمان‌ها، انجمن خلق چین برای دوستی با کشورهای خارجی^۱ است که در سال ۱۹۵۴ تاسیس شد. این سازمان وابسته به کنگره ملی خلق چین است و دوستی و همکاری بین‌المللی را ترویج می‌کند. این انجمن با نزدیک به پانصد سازمان غیردولتی و موسسه در ۱۵۷ کشور همکاری می‌کند. انجمن چینی برای تفاهم بین‌المللی^۲ نیز سازمان مشابه‌ای است که در سال ۱۹۸۱ جهت ارتباط میان احزاب سیاسی و جامعه مدنی از راه گفتگوی بین‌المللی و تبادل با سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی تاسیس شد. (Hooghe, 2014: 156)

در یک دهه گذشته چین بزرگترین اقتصاد گردشگری و مسافرتی جهان بوده و سهم بازار جهانی آن از آمریکا پیشی گرفته است. تا پیش از فراگیری کرونا، صنعت گردشگری خارجی چین در سال ۲۰۱۹، حضور ۳۲ میلیونی گردشگر خارجی را تجربه کرد و درآمد حاصل از آن را ۵.۷ تریلیون یوان گزارش نمود. اما در سال ۲۰۲۲، درآمد حاصل از گردشگری در چین تقریباً دو تریلیون یوان بوده و تخمین زده می‌شود که درآمدهای سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ تقریباً به طور کامل توسط گردشگران داخلی ایجاد شده است؛ چرا که محدودیت‌های شدید سفر بر اثر شیوع کرونا، منجر به توقف ورود گردشگر خارجی از فوریه ۲۰۲۰ شد. (Statista.Com)

علاوه بر گردشگر، ورود دانشجویان بین‌الملل نیز می‌تواند بر قدرت نرم و دیپلماسی عمومی چین تاثیر بگذارد و موجب تقویت آن شود. براساس آمار اعلام شده توسط وزارت آموزش چین در سال ۲۰۱۹، این کشور در مجموع ۴۹۲،۱۸۵ دانشجوی بین‌الملل دارد که از ۱۹۶ کشور در ۱۰۰۴ موسسه آموزش

¹ Chinese people's association for friendship with foreign countries

² Chinese association for international understanding



عالی این کشور تحصیل می‌کنند. از میان دانشجویان جهان بیشترین آمار مربوط به آسیای شرقی با ۵۹٪ و به ترتیب از قاره‌های آفریقا ۱۶٪، اروپا ۱۴٪، آمریکا ۷٪ و اقیانوسیه با ۱٪ دانشجویان بین‌الملل دانشگاه‌های این کشور را تشکیل می‌دهند. (Moe.Edu.Cn) براساس رتبه‌بندی آموزش عالی تایمز چند دانشگاه چینی رتبه‌های جهانی را در سال ۲۰۲۳ کسب کردند که نشان‌دهنده‌ی جایگاه علمی این کشور در دنیا می‌باشد. دانشگاه‌های چین‌هوا و پکینگ^۱ در رتبه‌بندی‌های نخست جهانی قرار دارند. (Statista.Com)

همچنین دولت چین رسانه‌های خود را جهت بهبود وضعیت بین‌المللی چین و گسترش ظرفیت‌های آن بکار گرفته است؛ از این رسانه‌ها می‌توان به خبرگزاری شینهوا، رادیوی بین‌المللی چین، تلویزیون مرکزی چین و چاینا دیلی^۲ نام برد. دولت چین از پخش تبلیغات خارجی و به کارگیری رسانه، چهار هدف اصلی را پیگیری می‌کند؛ نخست ترویج فرهنگ چینی و معرفی چین به جهانیان، دوم مقابله با پروپاگاندا ی خارجی علیه چین، سوم مقابله با تمایلات استقلال‌جویانه‌ی تایوان و چهارم ارتقای سیاست خارجی. (Ding, 2014: 6) چین همچنین به مانند آمریکا که دارنده‌ی شبکه‌ی صدای آمریکا است، اقدام به تاسیس شبکه‌ای با نام صدای چین^۳ کرده است که ۶۱ زبان دنیا را پوشش می‌دهد. این شبکه دارای ۳۲ دفتر هماهنگی در خارج از کشور است و برنامه‌هایی در حوزه اخبار، موسیقی، میزگرد و گفتگو و کلاس‌های آموزش زبان چینی پخش می‌کند. تلویزیون مرکزی چین^۴ یک پلتفرم رسانه‌ای بزرگتر از صدای چین است و علاوه بر تلویزیون، روزنامه‌ها، فیلم‌ها و فضای اینترنت را نیز پوشش می‌دهد. CCTV شش کانال بین‌المللی را به شش زبان پخش می‌کند و در نوزده منطقه جهان، دفاتر خبرنگاری دارد و تمرکز خود را از چین و تحولات داخلی به پوشش امور بین‌الملل تغییر داده است؛ در نتیجه دیدگاه چینی را در مورد اخبار جهان به مخاطبان خود ارائه می‌دهد. (Hooghe, 2014: 164-165)

۲-۴. منابع سخت قدرت هوشمند چین

۱-۲-۴. جمعیت، ژئوپلیتیک و فناوری

براساس آخرین داده‌های سازمان ملل، جمعیت کنونی چین تا فوریه ۲۰۲۴، ۱,۴۲۵,۶۷۱,۳۵۲ نفر بوده است. این جمعیت معادل ۱۷.۷۲٪ از کل جمعیت جهان است و دومین رتبه جمعیتی را پس از هند داراست. (Worldometers.Info) جمعیت زیاد این کشور بزرگترین عامل (انسانی) را برای ایجاد قدرت

¹ Tsinghua & Peking university

² Xinhua news agency, China radio international, China central television and China daily

³ CRI or voice of China

⁴ CCTV



سخت در اختیار این کشور قرار داده است. میزان باسوادی این جمعیت در سال ۲۰۲۱ به ۹۹.۸۳٪ رسید که نشان از توجه و اهمیت دولت و جامعه‌ی این کشور به امر آموزش دارد. (Globaldata.Com, 2022) این آمار، نشان‌دهنده‌ی برخورداری دولت از جمعیت ماهر در زمینه کاری است. در طول چهل سال گذشته این کشور با اتخاذ سیاست‌های حمایت اجتماعی توانست از فقرای این کشور به نزدیک ۸۰۰ میلیون نفر بکاهد و با این اقدام، نزدیک به سه چهارم کاهش جهانی تعداد افرادی که در فقر شدید می‌زیستند، در کارنامه‌ی خود ثبت نماید. (World Bank, 2022) بنابراین کاهش فقر گسترده در یک کشور، رابطه‌ی مستقیمی با تقویت قدرت هوشمند آن کشور دارد. امید به زندگی در چین در سال ۲۰۲۱، ۷۷.۱۳ سال بوده است. بالا بودن شاخص‌های توسعه انسانی عاملی مهم در راستای جهش قدرت ملی در امتداد قدرت هوشمند کشور است. جامعه‌ای که از سطح رفاه، امید به زندگی بالا و آموزش مطلوب برخوردار باشد در اختصاص سرمایه، وقت و پتانسیل‌ها بر تقویت قدرت خود موفق‌تر عمل خواهد نمود.

ژئوپلیتیک چین می‌تواند از منابع قدرت این کشور محسوب گردد؛ چرا که نوع جغرافیای چین خاص است و بر نوع کنشگری و سیاست‌های این کشور تاثیر می‌گذارد. به صورت کلی می‌توان ویژگی‌های ژئوپلیتیک چین را بدین صورت شرح داد: (۱) چین همسایگان متعدد با مرزهای مختلف دارد (۲) همجواری این کشور با اقیانوس آرام، موجب دسترسی آن به دریای آزاد شده است (۳) چین دارای وسعت بسیار است و از این جهت در فضای حیاتی خود محبوس نیست و به این کشور عمق استراتژیک بخشیده است. (۴) براساس دسترسی این کشور به دریای آزاد و وسعت گسترده، به صورت بالقوه از تنگنای ژئوپلیتیک برخوردار نیست (۵) زیست بوم چین نمایشگاهی رنگارنگ از کویر، بیابان، جنگل، دشت، جلگه و کوهستان می‌باشد که فرصت‌های راهبردی، نظامی، پژوهشی، کشاورزی، گردشگری و... را در اختیار این کشور قرار داده است. (مهکویی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۲۳۳-۲۳۶)

در زمینه فناوری، برخلاف غربی‌ها که فناوری خود را با پژوهش‌ها و پیشرفت علم تقویت کردند، چینی‌ها توجه خود را در بهبود قابلیت‌های تولیدی معطوف کردند؛ امروزه چین تلاش می‌کند بسیاری از فناوری‌های روز را کسب و یا تقویت نماید و در برخی از آن‌ها مانند هوش مصنوعی، شبکه‌های اینترنت G5، هواپیماهای بدون سرنشین، فناوری رباتیک، ارسال ماهواره و کاوشگر به فضا و... به جایگاه‌های مهمی دست یافته است که کاربرد نظامی و غیرنظامی توأمان در قدرت را دربرمی‌گیرد. برخی موفقیت‌های فناورانه‌ی چین را می‌توان بر این اساس فهرست کرد: (۱) موفقیت در تولید بازوهای رباتیک



و پمپ‌های هیدرولیک (۲) مونتاژ صفحات خورشیدی که جزو کارآمدترین نوع در بازار جهانی است (۳) فرود موفقیت‌آمیز یک کاوشگر فضایی در سمت پنهان ماه (۳) تولید باتری‌هایی با ظرفیت بالا که انرژی خودروهای برقی را تامین می‌کند. (Wang, 2023) (۴) چین پس از آمریکا، دومین کشوری است که دارنده‌ی بیشترین ماهواره در پیرامون زمین است (۵) چین جزو ده کشور برتر جهان از لحاظ تعداد شرکت‌های هوش مصنوعی است. (سازمند، ۱۳۹۸: ۱۱-۲۴)

۲-۲-۴. قدرت اقتصادی و نظامی

فرید زکریا در کتاب جهان پس‌آمریکایی^۱ درباره چین می‌گوید: «چین دارنده‌ی بزرگترین ذخایر ارزی می‌باشد که سه برابر کل اتحادیه اروپاست. این کشور به عنوان بزرگترین کشور جهان، دارنده‌ی سریع‌ترین رشد اقتصادی است که بزرگترین تولیدکننده و دومین مصرف‌کننده در اقتصاد محسوب می‌شود. همچنین این کشور بزرگترین پس‌اندازکننده و دومین کشور هزینه‌کننده‌ی نظامی است. (Zakaria, 2008: 92) امروزه افکار عمومی جهان بیش از همه، چین را با بعد اقتصادی آن می‌شناسند که همچون اژدهایی سترگ در حال رشد و دست‌اندازی بر گلوگاه‌های اقتصاد جهانی است. رشد اقتصادی و بودجه نظامی چین از پس از جنگ سرد تا به کنون، به طرز قابل توجهی افزایش یافته است به گونه‌ای که آمریکا به عنوان بزرگترین قدرت اقتصادی جهان، با داشتن ۲۳٪ از تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۱۹۹۵ به ۱۸٪ در سال ۲۰۱۴ کاهش پیدا کرد اما در مقابل چین در همان بازه زمانی، از ۶٪ به ۱۵٪ افزایش یافت. این گسترش ظرفیت اقتصادی برای چین بلافاصله به قدرت نظامی منجر نشد اما با گذشت زمان چینی‌ها هزینه‌های بیشتری را برای امور دفاعی خود اختصاص دادند. از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ بودجه‌ی دفاعی چین ۱۶٪ رشد داشت و از ۱۶۶ میلیارد دلار به ۱۹۳ میلیارد دلار افزایش یافت. در همین بازه زمانی بودجه دفاعی آمریکا تنها با رشد ۲ درصدی از ۷۲۲ میلیارد دلار به ۷۳۸ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد. (Philips, 2022: 362) در سال ۲۰۲۴ آمریکا حدود ۲۹.۲ تریلیون دلار و چین ۱۸.۹ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی داشتند. سرانه تولید ناخالص داخلی در آمریکا حدود ۸۶.۶۰۰ دلار بود که نشان‌دهنده‌ی درآمد و بهره‌وری بالاتر این کشور است، در حالیکه این رقم برای چین تنها ۱۳.۴۴۵ دلار اعلام شده است. (China Briefing, 2024) در سال ۲۰۲۴، ایالات متحده با بودجه نظامی حدود ۹۷۷ میلیارد دلار (معادل ۳۷٪ کل هزینه‌های نظامی جهان) همچنان در جایگاه بزرگترین قدرت نظامی جهان باقی ماند.

¹ The post American world



این رقم نسبت به سال گذشته ۵.۷٪ افزایش داشته است. در مقابل، چین با بودجه دفاعی ۲۳۱.۴ میلیارد دلار و رشد ۷.۲٪ نسبت به سال گذشته، در جایگاه دوم قرار دارد. در حالی که بودجه نظامی آمریکا چند برابر چین است، پکن نیز با تمرکز بر مدرن‌سازی ارتش، توسعه جنگ‌افزارهای پیشرفته و افزایش قابلیت‌های هسته‌ای به سرعت در حال گسترش قدرت نظامی خود است. با وجود افزایش بودجه دفاعی چین اما همچنان این کشور از نظر کمی دارای فاصله ژرفی با آمریکا است و پکن رشد اقتصادی خود را نسبت به آمریکا، کمتر به بدنه نظامی تزریق می‌کند. (CNA, 2025 & Defense Post, 2024)

۴-۲-۳. اجماع پکن

به موازات آنکه چین به گسترش منافع و روابط اقتصادی خود در عرصه‌ی جهانی می‌پردازد، بسیاری از کارشناسان از اصطلاح «اجماع پکن» در مقابل «اجماع واشنگتن» سخن به میان می‌آورند که براساس آن به دیدگاهی تبدیل شد که بویژه پس از حل بحران مالی شرق آسیا مورد توجه قرار گرفت. با رشد اقتصادی چین در سطح جهانی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه با بهره‌برداری از سیاست‌های مشابه چین تلاش می‌کنند از الگوهای اقتصادی چین استفاده کنند. الگوی چینی، بسیاری از رویکردهای غربی مانند تئوری‌های توسعه را رد می‌کند و بیان می‌دارد که نوع نظام سیاسی ارتباطی با امر توسعه ندارد. (Lanteigne, 2009: 42-43) از این منظر، الگوی چین مورد علاقه کشورهای اقتدارگراست که ضمن حفظ ساختارهای داخلی نظام‌های سیاسی خود می‌توانند به توسعه و پیشرفت اقتصادی نائل شوند؛ بنابراین الگومندی توسعه اقتصادی چین یک امتیاز به قدرت نرم این کشور بخشیده که می‌تواند در امتداد تقویت قدرت سخت (اقتصادی و تجاری) از آن بهره‌برداری نماید. اجماع پکن حاوی دیدگاه‌هایی در مورد سیاست، کیفیت زندگی، سطح رفاه و توازن قدرت جهانی است. طبیعتاً این مدل چینی، در مقابل طرفداران وضع موجود قرار می‌گیرد. (Ramo, 2004: 5-6) از سوی دیگر همکاری و سرمایه‌گذاری‌های چین برای کشورهای در حال توسعه جذاب است؛ تمرکز چین در امر سرمایه‌گذاری بر حوزه‌ی انرژی، زیرساخت‌ها و فناوری‌های پیشرفته است که این موارد برای رشد کشورهای در حال توسعه نیز ضروری و حیاتی است. از این منظر، نیاز کشورهای در حال توسعه به رشد بیشتر، این همکاری و سرمایه‌گذاری را به خود جلب می‌کند. (Zheng, 2009: 3) از سوی دیگر چین به شکل بی‌سابقه‌ای در دوران ریاست شی جین پینگ، اقدام به نوآوری‌های اقتصادی و نهادی‌سازی نموده است؛ بانک بریکس، بانک سرمایه-



گذاری زیرساخت آسیایی و ابتکار کمربند و یک جاده، مهمترین نمادهای چین جهت نظم‌سازی بین-المللی است. ویژگی این نهادهای اقتصادی این است که سلسله مراتبی و چین‌محورند؛ به گونه‌ای که چین در هر کدام از موقعیت برتر و هژمونیک برخوردار است. (شریعتی‌نیا و مسعودی، ۱۳۹۸: ۲۷)

۴-۲-۴. ابتکار کمربند و یک جاده

یکی از ابرپروژه‌های اقتصادی چین در عرصه تجارت، ابتکار «کمربند و یک جاده» می‌باشد که حدود یک سوم از تولید ناخالص داخلی جهان را دربرمی‌گیرد. این پروژه یک ابتکار تامین مالی زیرساختی برای بخش بزرگی از اقتصاد جهانی است که علاوه بر اهداف کلیدی و حیاتی اقتصادی، اهداف پکن در سیاست خارجی و امنیت را نیز تامین خواهد کرد. (Hurley & Others, 2018: 1) یی گانگ^۱ رییس بانک خلق چین در طی یک سخنرانی در سال ۲۰۱۹ اعلام نمود موسسات مالی چین بیش از ۴۴۰ میلیارد دلار بودجه برای پروژه‌های کمربند و یک جاده اختصاص داده‌اند. بخش عمده‌ای از وام‌دهی از راه دو بانک انجام می‌شود؛ بانک توسعه چین و بانک صادرات و واردات چین. بانک صادرات و واردات در همان سال ۲۰۱۹ اعلام کرده بود که بیش از ۱۴۹ میلیارد دلار وام به بیش از ۱۸۰۰ پروژه ارائه نموده و بانک توسعه نیز بیش از ۱۹۰ میلیارد دلار برای پروژه‌های دیگر این طرح بزرگ تامین مالی کرده است. (Tan, 2019)

این ابتکار بزرگ اقتصادی می‌تواند از چند جهت به قدرت هوشمند چین یاری برساند: (۱) با راه‌اندازی این پروژه چین می‌تواند به مناطق درگیر این پروژه، نیروی انسانی، تخصص، ماشین‌آلات و کالا صادر نماید (۲) با فراهم شدن این پروژه، صادرات کالا و صدور فناوری چین تسهیل می‌گردد (۳) بخش عمده استان‌های غربی چین از توسعه‌نیافتگی رنج می‌برند؛ با متصل شدن این مناطق به پروژه مذکور، توسعه بتدریج حاصل خواهد شد. (۴) با اعطای وام از طریق بانک‌های چینی، پکن قصد دارد قدرت بانکی خود را افزایش دهد. (۵) از آنجایی که بسیاری از کشورهای جهان توانایی سرمایه‌گذاری ندارند، با پر کردن این خلأ از سوی چین، در مقابل از موقعیت، منابع و یا امتیازات دیگر استفاده خواهد نمود که انگیزه‌های فرایند اقتصادی و نظامی در پشت آن نهفته است. (۶) با ایجاد شبکه‌های همکاری از کشورهای گوناگون، نفوذ سیاسی پکن افزایش خواهد یافت و ائتلاف یا رأی دولت‌ها را در مجامع بین‌المللی همراه خود خواهد داشت. (۷) با اعطای وام، شمار کشورهای بدهکار به چین افزایش خواهد یافت و پدیده‌ی

¹ Yi Gang



تله بدهی رخ خواهد نمود که برای رفع این بدهی‌ها، کشورهای مقروض، وادار به اعطای امتیاز می‌گردند. البته این هدف از سوی مقامات چینی بارها تکذیب شده اما در عمل رخ داده است؛ برای نمونه، سریلانکا مجبور شد برای رهایی از تله بدهی‌ها، در سال ۲۰۱۷ یک بندر استراتژیک را به پکن واگذار نماید. (Tan, 2019)

سرمایه‌گذاری و تزریق مالی چین در جهان، تنها به قصد رشد توسعه‌ی اقتصادی نیست؛ در واقع چین به جهت نفوذ سیاسی بیشتر و بسط قدرت خویش، از ابزار سرمایه‌گذاری خود بهره می‌گیرد. در یک نمونه، چین به اقتصاد بیمار یونان سرمایه تزریق نمود و در مقابل آتن از صدور بیانیه‌ای علیه تجاوز چین به حریم دریای جنوبی جلوگیری کرد و در نمونه‌ای دیگر، این کشور مانع از محکومیت چین توسط اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر شد. این موضوع موجب شد تا پکن یونان را معتمدترین دوست اروپایی^۱ خود بنامد. در میان این همکاری‌ها، چین قصد دارد در طرح بلندپروازانه‌ی خود، بندر یونانی پیرئوس^۲ را به سر اژدهای پروژه کمر بند یک جاده پیوند بزند. (Horowitz & Alderman, 2017) در حقیقت، چین در عین انتفاع اقتصادی، همزمان انتفاع سیاسی و ژئوپلیتیک را طلب می‌کند که با این شیوه قدرت هوشمند خود را به نمایش می‌گذارد.

۴-۲-۵. وابستگی متقابل

چین با اینکه ثروت حاصل از رشد اقتصادی را کمتر به امور دفاعی و نظامی اختصاص می‌دهد با این حال از اهرم «وابستگی متقابل» در جهت جلوگیری از درگرفتن جنگ و رویارویی مستقیم استفاده نموده است. به موازات رشد اقتصادی و تعامل این کشور در نهادهای بین‌المللی اقتصادی، چین تبدیل به عضوی فعال در تجارت جهانی شد که با قدرت‌های بزرگ سده حاضر، روابط تنگاتنگ اقتصادی-بازرگانی دارد؛ این روابط عمیق موجب ایجاد رشته‌های وابستگی شده است، به گونه‌ای که برهم خوردن این روابط، به زیان طرفین می‌گردد. (Hsu, 2022)

اما این وابستگی تنها از سوی چین نیست؛ آمریکا در عین رقابت سهمگین با پکن، بزرگترین شریک تجاری چین نیز محسوب می‌شود که بخش زیادی از کالاهای چینی را وارد می‌نماید. در سال ۲۰۲۱ صادرات آمریکا به چین ۱۵۱ میلیارد دلار بود که ۲۱٪ نسبت به سال ۲۰۲۰ افزایش داشت. این در حالی است که صادرات چین به آمریکا ۵۰۶ میلیارد دلار بود که ۱۶٪ رشد داشته است. بر همین اساس کسری

¹ Most reliable friend in Eroupe

² Greek port of Piraeus



تجاری آمریکا با چین ۳۵۵ میلیارد دلار است که این گسست موجب آسیب‌پذیری آمریکا در مقابل چین شده و این موضوع زنگ خطری برای ایالات متحده شده است. (BIS.Doc.Gov)

۴-۲-۶. نظامی‌گری چین

روسیه مهمترین تامین‌کننده‌ی نیازهای تسلیحاتی و دفاعی چین می‌باشد؛ این همکاری نظامی، تبدیل به مهمترین نماد کنش توازن‌گرایانه‌ی چین شده که به ارتقای همکاری‌های راهبردی با روسیه منجر گردیده است. موازنه‌سازی آنان در شورای امنیت سازمان ملل در مقابل آمریکا و همکاری این دو در سازمان همکاری شانگهای و بریکس از مهمترین اقدامات سخت چین و روسیه می‌باشد. (شریعتی‌نیا و مسعودی، ۱۳۹۸: ۲۲ و ۲۳) از لحاظ پایگاه‌های نظامی، چین نسبت به آمریکا دارای کمترین تعداد می‌باشد؛ در واقع جز در کشور جیبوتی، در هیچ کشور دیگری پایگاه نظامی ندارد. (Hurley & Others, 2018: 16) از سوی دیگر، چین حدود ۵۰۰ کلاهک هسته‌ای دارد که وزارت دفاع آمریکا تخمین می‌زند که این تعداد تا سال ۲۰۳۰ دو برابر خواهد شد. (Seligman, 2023) همچنین چین به مدرنیزه‌سازی بازدارندگی هسته‌ای خود شامل توسعه زیردریایی‌های حامل موشک‌های بالستیک و استقرار موشک‌های قاره‌پیمای بالستیک پرداخته است. (روشن و فرجی، ۱۳۹۶: ۲۳۷)

چین برای مقابله با نگرانی‌های بین‌المللی در مورد توانایی‌های روبه رشد ارتش، سرمایه‌گذاری‌های زیادی در توسعه عملیات نظامی به غیر از جنگ نموده است؛ این عملیات‌ها شامل مبارزه با دزدی دریایی، شرکت در عملیات‌های صلح‌بانی سازمان ملل، ارائه‌ی کمک‌های بشردوستانه و کمک‌رسانی در بلاایای طبیعی است. (Hooghe, 2014: 87) رویکرد نظامی چینی‌ها نسبت به غرب متفاوت است؛ در حالی که نوع نگرش غربی‌ها به مسائل نظامی مانند بازی شطرنج است که در آن پیروزی کامل و قطعی را پیگیری می‌کنند، چینی‌ها بر این باورند که پیروزی و تسلط کامل به مسائل ممکن است موجب برهم خوردن هارمونی و نظم جهانی شود. از این جهت، نوع نگرش چینی‌ها به مسائل نظامی مانند بازی وی چی^۱ است. وی چی یک بازی چینی به معنای احاطه‌ی مهره‌هاست که مبتنی بر راهبرد محاصره طراحی شده است. هر بازیکن می‌بایستی یک مهره را با این هدف که برای خود مواضع قدرت غیرقابل محاصره بسازد، بر زمین قرار دهد تا بدین وسیله با پیشروی، مواضع حریف را به محاصره خود درآورد. بنابراین

¹ Wei qi



بازیکنان در وی چی به دنبال برتری نسبی اما در بازی شطرنج به دنبال پیروزی کامل و کیش و مات کردن حریف هستند. (کیسینجر، ۱۴۰۰: ۳۲-۳۴)

۵. گزینش میان اقدامات چین در قدرت هوشمند و تاکتیک‌های این کشور

در گام چهارم و در ادامه استفاده از مدل جوزف نای، براساس ارزیابی‌های قبلی به اصلی‌ترین اقدامات چین در قدرت هوشمند و تاکتیک‌های این کشور در دستیابی به اهداف اصلی‌اش پرداخته خواهد شد. اساساً چین قدرتی منطقه‌ای با حضوری جهانی است اما این گزاره به این معنا نیست که این کشور نوظهور، فاقد منافع و آرمان‌های جهانی است. در واقع چین به طور فزاینده‌ای قدرتی فعال است اما برای برخی مناطق جهان ارزش بیشتری قائل است. منطقه‌ی جنوب شرق آسیا، غرب آسیا و آفریقا را می‌توان جزو مناطق راهبردی چین محسوب کرد که در تلاش است در این مناطق نفوذ خود را بگستراند و آن را تقویت نماید. دستیابی به امنیت انرژی، گسترش نفوذ ژئواستراتژیک، حفظ ثبات داخلی، ایجاد بازارهای فروش و مشارکت‌های اقتصادی را می‌توان اهداف کلان چین در نظر گرفت. (Scobell & Nader, 2016: 7-15) نفوذ هرچه بیشتر و بهینه‌تر چین در مناطق راهبردی، نیازمند تقویت قدرت هوشمند است. به صورت جزئی‌تر می‌توان موارد زیر را درخصوص اقدامات اصلی چین در قدرت هوشمند از پیش چشم گذراند:

۱) رد نظریه تهدید چین: نخستین هدف چین، تلطیف چهره‌ی جهانی این کشور است. در نگاه افکار عمومی جهان، نوعی «چین‌هراسی» ترویج یافته که مانعی جدی در جهت پیشبرد اهداف سیاست خارجی چینی‌ها محسوب می‌شود. مهمترین هدف قدرت نرم، خنثی‌سازی پدیده‌ی چین‌هراسی است و با رد نظریه «تهدید چین»^۱ ضمن ایجاد درک بهتر از واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی داخلی این کشور، همچنین موجب تسهیل در پذیرش و پشتیبانی‌های جهانی از ظهور این دولت می‌گردد. (Mingjiang, 2008: 15).

۲) معرفی خود به عنوان کشوری صلح‌گرا، چندجانبه‌گرا، میانجی‌گر، مشارکت‌جو و مسئولیت‌پذیر: چین تلاش می‌کند همواره کنشگری خود را بر اساس هنجارها و قواعد نظم بین‌المللی موجود تنظیم نماید و از رفتارهای انقلابی که وضع موجود را تهدید می‌کند خودداری ورزد. این شیوه علاوه بر تسهیل در

¹ China threat



تامین منافع، موجب عدم ایجاد تضاد منافع با قدرتهای بزرگ دیگر می‌شود و از چین کشوری هنجارمند و مسئولیت‌پذیر می‌سازد.

۳) رد یکجانبه‌گرایی: برای رسیدن به این خواسته، چین همواره سیاست‌های چندجانبه‌گرایانه را با تأکید بر مسئولیت‌پذیری، صلح‌جویی و بدور از رویارویی مستقیم پیگیری نموده است و از سیاست‌های تک‌جانبه‌گرایانه‌ی آمریکا در برهه‌های گوناگون ابراز مخالفت نموده است. این موضوع هم برخلاف منافع جهانی چین است و هم بر ضد آرمان‌های سنتی مانند تحقق هارمونی بزرگ در جهان.

۴) ارتقای دیپلماسی لبخند: پکن در جهت گسترش زبان و فرهنگ چینی از طریق ترویج و اشاعه‌ی موسسات کنفوسیوس و تاسیس سازمان‌های مربوطه، تلاش‌های زیادی نموده است. زبان مهمترین عامل ارتباطی تاریخ و فرهنگ به عنوان بهترین شیوه تأثیرگذاری نرم بر دیگران، همواره مورد توجه دولتمردان بوده است.

۵) ایجاد لابی جهانی: دولت چین برای تحقق اهداف و تسهیل در کسب منافع خود، لازم دارد تا در برخی کشورها بویژه در دستگاه حاکمه‌ی آن‌ها نفوذ سیاسی و اقتصادی داشته باشد. برای نمونه سازمان مبادلات چین و آمریکا^۱ یک سازمان غیرانتفاعی مستقر در هنگ کنگ است که توسط یک مقام بلندپایه نزدیک به دستگاه حزب کمونیست اداره می‌شود. این سازمان عملیات نفوذ و لابی را در خارج از کشور انجام می‌دهد و از آنجایی که با دولت ارتباط دارد، موسوم به جبهه متحد شناخته می‌شود. (Ebrahimi, 2017)

۶) ثبات و رشد داخلی: سیاست خارجی در امتداد سیاست داخلی است و از این منظر هرچه دولت در عرصه سیاست و اقتصاد بین‌الملل قدرتمند گردد، بر کیفیت و کمیت وضعیت داخلی آن دولت نیز تأثیر می‌گذارد. مشروعیت حزب کمونیست چین نشأت گرفته از ثبات اجتماعی و توسعه اقتصادی است و از این منظر چنانچه تجارت و اقتصاد بین‌الملل چین، سرمایه‌گذاری و پروژه‌های این کشور در خارج مورد تهدید واقع گردد، ثبات داخلی این کشور از میان می‌رود. (Regime & Hodzi, 2021: 123)

۷) رفع دغدغه‌ها و مسائل ژئوپلیتیک: محقق کردن هرچه بهتر یک سیاست همسایگی یکی از اهداف چین است. از آنجایی که اتخاذ رویکردهای چندجانبه و صلح‌گرا بایستی از منطقه خود آغاز شود، چین تلاش دارد با سیاست همسایگی، اصول حسن همجواری را بر همسایگان خود به اثبات برساند. چین

¹ China – united states exchange foundation (CUSEF)



بر این باور است که با آفندی کردن سیاست‌های خود می‌تواند نیرومندتر گردد و بر همین اساس با قدرت فزاینده بهتر می‌تواند اختلافات خود را براساس شرایطی که به نفع خود است حل و فصل نماید.

(Pathak, 2015: 1-2)

۸) دیپلماسی اقتصادی: جذب، مشارکت، سرمایه‌گذاری، بالا بردن تعاملات اقتصادی و ایجاد بازارهای فروش در سراسر جهان به همراه تقویت نهادها و ابتکارات اقتصادی از مهمترین محورهای کنش اقتصادی چین را تشکیل می‌دهد. بانک توسعه بریکس، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و پروژه کمربند و یک جاده، مهمترین ابتکارات چین است.

۹) افزایش امنیت ملی: چین از چند طریق اقدام به افزایش امنیت ملی می‌کند؛ نخست با تمرکز بر ارتش و نیروهای نظامی خود، دوم با رشد توسعه‌ی اقتصادی و پشتوانه‌ی ثروت، سوم ایجاد وابستگی متقابل با قدرت‌های بزرگ و چهارم با افزایش کلاهک‌های هسته‌ای که موجب بازدارندگی می‌گردد.

۱۰) تقویت موازنه‌سازی: همانطور که گفته شد رویکرد چین در قبال قدرت‌های بزرگ، برتری نسبی بجای سیاست هژمونی است؛ بنابراین موازنه‌سازی یکی از راهکارهای این رویکرد می‌باشد. هدف از موازنه‌سازی می‌تواند بازدارندگی یک دولت قوی از حمله یا رسیدن به برتری نسبی در مواجهه با دولت موازنه‌گر باشد. این موازنه صرفاً با افزایش قدرت نظامی و اقتصادی حاصل نمی‌گردد، بلکه می‌تواند از برخی رویکردها و ابزارهای چندوجهی در موازنه‌سازی بهره گیرد. (Pape, 2005: 36-38)

۱۱) تبدیل شدن به قطب رسانه‌ای جهان و ارتقای شبکه‌های اجتماعی: دولت چین از پخش تبلیغات خارجی و به کارگیری رسانه، چهار هدف اصلی را پیگیری می‌کند؛ نخست ترویج فرهنگ چینی و معرفی چین به جهانیان، دوم مقابله با پروپاگاندا‌ی خارجی علیه چین، سوم مقابله با تمایلات استقلال-جویانه‌ی تایوان و چهارم ارتقای سیاست خارجی. (Ding, 2014: 6)

۱۲) کسب رتبه برتر در دانشگاه و مراکز علمی پیشرو: دانشگاه‌های چین شاهد پیشرفت چشمگیر در جذب دانشجویان خارجی و کسب رنکینگ‌های جهانی است. در رتبه‌بندی‌های جهانی دو دانشگاه پکنینگ و چین‌هوا توانستند در زمره‌ی دانشگاه‌های برتر جهانی قرار بگیرند. در همین رابطه دانشگاه‌های چین باید با دانشگاه‌های آکسفورد، استنفورد، هاروارد، کمبریج، پرینستون، زوریخ و شیکاگو رقابت کنند که در رتبه‌های نخست قرار دارند. (Statista.Com)



۱۳) رونق صنعت گردشگری: گردشگری صنعتی پویاست که همزمان علاوه بر رشد اقتصادی، انتفاع فرهنگی نیز همراه خود دارد. چین دارای جاذبه‌های فراوان گردشگری از انواع تاریخی، طبیعی، تفریحی و انسانی می‌باشد.

۱۴) کسب جایگاه رهبری در انقلاب چهارم صنعتی: دیجیتالی شدن تولیدات صنعتی، هوشمندسازی صنایع و اقتصاد بوسیله‌ی هوش مصنوعی، رشد و بهره‌وری در تولید لوازم الکتریکی، رایانه‌ای و حمل و نقل، افزایش فناوری فضایی، خودکفایی در تولید برخی پلتفرم‌ها و محصولات اولیه فناوری، تغییر کاربری صنعت چین از مونتاژگری به دانش‌بنیان و... از اهداف بلندمدت چین در حوزه فناوری و صنعت است که در این زمینه پکن باید با آمریکا، ژاپن، کره جنوبی، اروپای غربی، هند و تایوان رقابت کند.

۱۵) سرانجام آخرین هدف، مهار افراط‌گرایی و تروریسم است؛ در سده‌ی بیست و یکم، چین سیاست‌های خود را پیرامون پیشبرد برنامه‌ی «سه نیروی شرارت» اعلام نموده و آن سه نیرو عبارت از تجزیه-طلبی، افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم می‌باشد. (Kerr, 2010: 143)

۶. چالش‌های قدرت هوشمند چین

چین در راستای تقویت قدرت هوشمند و دستیابی به اهداف فوق‌الذکر، با موانع و چالش‌هایی مواجه است که در ترکیب قدرت سخت و نرم خود و بکارگیری آن‌ها دچار مشکل است؛ برای نمونه در سه سال اخیر، یکی از مهمترین رخدادهایی که موجب بدنام شدن فرهنگ چینی شد، فراگیری ویروس کووید ۱۹ بود که بر اثر آن میلیون‌ها نفر از جهانیان جان باختند. به باور عامه، خاستگاه این ویروس، سرزمین چین و بر اثر استعمال غذای نامناسبی است که چینی‌ها مصرف می‌کنند؛ این موضوع اگرچه هنوز دارای ابهام است اما با این حال افکار عمومی جهان، کرونا را مترادف با چین و تداعی‌کننده‌ی فرهنگ نادرست این کشور می‌شناسند. این موضوع برای قدرت هوشمند چین بسیار مخرب بود.

چالش بعدی نوع ساختار سیاسی و شاخص‌های توسعه سیاسی است؛ با وجود آنکه امروزه توجه غالب کشورهای جهان به سمت توسعه اقتصادی جلب شده و توسعه سیاسی از اولویت ثانویه برخوردار است، با اینحال فقدان برخی مظاهر توسعه سیاسی در جامعه‌ی چین موجب عدم جذابیت ساختار حکومتی آن گردیده است. برای نمونه سوسیالیسم چینی فاقد دموکراسی و بیان‌کننده‌ی یک حکومت الیگارشسی است. چین در توسعه دیپلماسی عمومی خود در میان معرفی خود به عنوان کشوری مطلوب با عدم وجود ساختاری باز، گرفتار شده است. (Melissen, 2005: 102) چین با اینکه دارای فرهنگ، پیشینه و فلسفه‌ای جذاب است اما به همان اندازه دارای سخت‌ترین و پیچیده‌ترین خط و زبانی است که ادبیات جهان



تاکنون با آن آشنا بوده است. این مورد از بزرگترین چالش‌های قدرت نرم چین می‌باشد که برخلاف قدرت‌های غربی قادر نیستند به آسانی به اشاعه‌ی فرهنگ و ارزش‌های خود بپردازند. این زبان دارای حروف الفبا نیست و از حدود ۸۰ هزار کاراکتر تشکیل شده که با کنار هم قرار دادن کاراکترهای گوناگون، واژگان چینی ساخته می‌شود. برای نمونه چینی‌ها برای نوشتن واژه‌ی شرق از دو کاراکتر 木 (درخت) و 日 (خورشید) استفاده می‌کنند؛ شرق محل طلوع آفتاب است و در باور عامه‌ی چینی‌ها از دیرباز این تصور وجود دارد که آفتاب از پشت درخت‌ها طلوع می‌کند، همانطور که ایرانیان به صورت عامیانه بر این باورند طلوع آفتاب از پشت کوه‌ها انجام می‌گیرد. بنابراین چینی‌ها با این پنداشت، برای ترسیم مفهوم «شرق» دو کاراکتر درخت و خورشید را بدین‌گونه درهم می‌آمیزند: (Gombrich, 1985: 58) علاوه بر دشواری خط و زبان چینی، این کشور در برخی مظاهر فرهنگی خود دارای جذابیت نیست؛ فرهنگ غذایی یکی از این مظاهر است که برای اکثریت مردم جهان خوشایند نیست. در حالی که آمریکا با مک‌دونالد، قدرت نرم خود را می‌گستراند، چین تغذیه‌ی جذابی نمی‌تواند ارائه دهد و همانطور که گفته شد به باور عامه، کرونا حاصل این فرهنگ است. یکی دیگر از چالش‌های قدرت هوشمند چین، در تولید فیلم سینمایی است. چین در حالی در عرصه سینما و پویانمایی عقب است که علاوه بر کمپانی‌های قدرتمند آمریکایی، همسایگانش نیز در تولید آثار جهت ارتقای دیپلماسی عمومی و قدرت هوشمندشان موفق‌تر بوده‌اند؛ بالیوود هند به مراتب از فیلم‌های چینی جذاب‌تر است و کره جنوبی در فیلم‌سازی و ژاپن در عرصه‌ی انیمه‌سازی بسیار موفق بوده‌اند و با اقبال جهانی مواجه شده‌اند.

در زمینه فناوری، چینی‌ها با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در این زمینه اما اغلب مونتاژگران خوبی هستند؛ همچنین در میان مردم جهان، تکنولوژی و محصولات صنعتی چین نسبت به تولیدات غربی، ژاپنی و کره‌ای از محبوبیت کمتری برخوردار است و کیفیت محصولات چینی به سطح رقبا نمی‌رسد. (Wang, 2023) «تله بدهی» چالش و مانعی دیگر در مخدوش‌سازی قدرت هوشمند این کشور است؛ این پدیده اقتصادی که منفی‌سازی چهره چین را به دنبال داشته، موجب آن شده تا برخی کشورها برای رهایی از این معضل به مستعمره‌ی چین مبدل شوند. برای نمونه، سریلانکا مجبور شد برای رهایی از تله بدهی‌ها، در سال ۲۰۱۷ یک بندر استراتژیک را به پکن واگذار نماید. (Tan, 2019)

چالش دیگر، نگرانی‌ها بابت رشد توان نظامی چین است؛ به موازات رشد اقتصادی پکن، هراس بین‌المللی و منطقه‌ای از تبدیل‌سازی توان اقتصادی به توان نظامی تشدید گشته است؛ این موضوع تبدیل به چالشی برای چین شده است که باتوجه به جمعیت انبوه، وسعت پهناور، عمق استراتژیک و توان اقتصادی



بالا، این احتمال را تقویت کرده است. این نگرانی‌ها با وجود اختلافات سرزمینی و مرزی چین با همسایگان متعدّدش افزایش یافته و سایه‌ای بزرگ بر چالش‌های سیاست خارجی چین انداخته است. هرچه چین به سمت رشد توان نظامی خود برود، منطقه شرق و جنوب شرق آسیا به سوی رویکردهای نظامی گرایش خواهند یافت؛ زیرا توان نظامی چین و عمق استراتژیک این کشور، موجب آسیب‌پذیری همسایگان کوچک می‌شود که به صورت متعدّد در این منطقه حضور دارند. در نتیجه رشد نظامی‌گری در منطقه، معمای امنیتی را رقم خواهد زد که طبیعتاً برای قدرت هوشمند چین که همزمان مشارکت‌های اقتصادی، سیاست همسایگی و گسترش قدرت نرم را پیگیری می‌نماید، یک چالش عمده است.

نتیجه‌گیری

نوع کنش، ابعاد و روابط قدرت دولت‌های بزرگ در سده‌ی بیست و یکم، از موضوع هژمونی، درگیری و منازعه‌ی صرف به شکلی آمیخته از همکاری و رقابت تغییر ماهیت داده است. هدف چین از بهره‌گیری قدرت هوشمند ارتقای هرچه بیشتر سیاست «همکاری در عین رقابت» است. چین با وجود بهره‌مندی از منابع گوناگون، در شبکه‌سازی آن‌ها دچار مشکل است و با چالش‌هایی دست و پنجه نرم می‌کند. در واقع قدرت نرم چین از قدرت نظامی جلوتر است در حالی که از قدرت اقتصادی عقب‌تر است؛ این موضوع حاکی از عدم تعادل میان منابع گوناگون قدرت در این کشور است. اما با وجود پراکندگی و ناهمسانی منابع قدرت، پکن جزو معدود دولت‌هایی است که توان بالقوه‌ای برای تحقق قدرت هوشمند خود دارد. قدرت امری نسبی است و بدین ترتیب به نسبت دیگر بازیگران بین‌المللی، پکن در داشتن منابع گسترده و شبکه‌سازی آن‌ها، پیش‌تازتر است؛ بجز ایالات متحده آمریکا که نای آن را دارنده‌ی قدرت هوشمند معرفی می‌کند، چین در رتبه دوم قرار دارد اما برای دیگر بازیگران بزرگ جهانی به سختی می‌توان استعداد کسب این جایگاه را تصور کرد. به زعم نگارندگان، منفی بودن چهره جهانی چین، فرهنگ ناگیرا و ضعف در قدرت نرم، نگرانی‌ها بابت رشد توان نظامی، وابسته‌سازی اقتصادی کشورهای جهان به خود، تله بدهی، ضعف در دیپلماسی عمومی، اختلاف با همسایگان و عدم تعادل میان رشد اقتصادی و نظامی مهمترین چالش‌های قدرت هوشمند پکن را تشکیل می‌دهد که موجب بدبینی بین‌المللی می‌شود. با این حال با وجود برخی ضعف‌ها و موانع، چین از استعداد مکفی جهت تحقق و تقویت قدرت هوشمند برخوردار است و در نتیجه هرچه دولت چین بر تقویت قدرت هوشمند پافشاری نماید، شاهد یک سیاست خارجی قوی و چندبعدی خواهد بود که به صورت بهینه منافع خود را پیگیری



می‌کند. این استعداد درونی و تلاش‌های پکن در این راستا، موجب آن شده این دولت به مهمترین و اصلی‌ترین چالش ایالات متحده آمریکا پس از جنگ سرد مبدل گردد.

منابع

آشوری، داریوش (۱۳۵۸). نگاهی به سرزمین، تاریخ، جامعه و فرهنگ چین؛ از دیرینه‌ترین روزگار تا پایان سده نوزدهم، انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیا، بهار ۱۳۵۸

پیرویان، ویلیام (۱۳۹۸). سیر تحول اندیشه‌ی سیاسی در شرق باستان، انتشارات سمت، چاپ ششم، بهار ۱۳۹۸
دفتر اطلاعات شورای دولتی جمهوری خلق چین (۱۳۹۸). چین و جهان در دوران جدید، ترجمه‌ی دبیرخانه شورای راهبردی روابط خارجی، پاییز ۱۳۹۸

روشن، امیر و فرجی، محمدرضا (۱۳۹۶). روابط هند و چین، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶
سازمند، بهاره (۱۳۹۸). هوش مصنوعی در جهان؛ جمهوری خلق چین، مرکز پژوهش‌ها مجلس شورای اسلامی،
شارپ، جین (۱۳۸۹). قدرت نرم و عدم خشونت، ترجمه‌ی سید رضا مرزانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ نخست
شریعتی‌نیا، محسن و مسعودی، حیدرعلی (۱۳۹۸). چین و نظم‌های بین‌الملل، فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸

عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۷). اندیشه‌ی سیاسی چین باستان، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ نخست

کسیسینجر، هنری (۱۴۰۰). چین، ترجمه‌ی حسین رأسی، انتشارات معاصر، چاپ پنجم ۱۴۰۰
مومنی، مجیدرضا و خانگل‌زاده سنگرودی، نرگس (۱۴۰۱). مطالعه مقایسه‌ای دیپلماسی عمومی هند و چین در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس (۲۰۰۱-۲۰۲۱). فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۱، شماره ۴۳، زمستان ۱۴۰۱

مهاکویی، حجت و شعبانی، مریم (۱۳۹۸). واکاوی دلایل ساخت جزایر مصنوعی توسط چین در دریای جنوبی چین، مجله جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، سال هفدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۳۳

نریمانی، گلناز و اخوان کاظمی، مسعود و صادقی، شمس‌الدین (۱۳۹۷). تحلیلی بر راهبردها و ابزارهای تحکیم و گسترش قدرت نرم چین، فصلنامه‌ی مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۷

خداقلی‌پور، علیرضا (۱۴۰۱). طرح چین برای پایان بحران اوکراین؛ اهداف و انگیزه‌ها، پایگاه اینترنتی مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، قابل دسترس در:

<https://www.ipis.ir/portal/subjectview/713199/>

شی جین‌پینگ (۲۰۱۸). تنها راه نجات چین سوسیالیسم است، پایگاه خبری یورونیوز، قابل دسترس در:

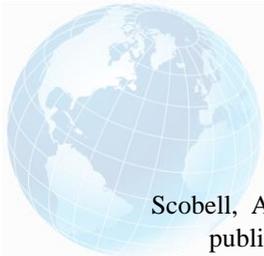
<https://parsian.euronews.com/2018/03/20/xi-jinping-new-policy-socialism-only-way-to-save-china-congress>



- Akdag, Zekeriyya (2022). The role of soft power in china's struggle for hegemony, Ushudar university journal of social sciences, issue 15, November 2022
- BIS.doc.gov (2021). US trade with China, office of technology evaluation, available in: bis.doc.gov
- Chen, J (2009). The practices of the mean; China's soft power cultivation. Edit by M. Li, soft power China's emerging strategy in international politics, published by Lexington books
- China briefing (2024). China and U.S economy navigating key indicators and 2025 outlook, <https://economicsinsider.com/comparing-us-and-china-gdp-numbers>
- China life expectancy 1950-2024, macrotrends website, available in: <https://www.macrotrends.net/countries/CHN/china/life-expectancy>
- China population, worldometers website, available in: <https://www.worldometers.info/world-population/china-population/>
- China's military strategy (2015). The State Council Information Office of the People's Republic of China, May 2015, Beijing, available in:
- Cho, Young Nam & Jeong, Jong Ho (2008). China's soft power; discussions, resources and prospects, Asian survey, VOL. XLVIII, NO.3
- CNA (2025). China expand defence budget by 7.2% amid sino-us rivalry, geopolitical tensions, available in: <https://www.channelnewsasia.com/east-asia/china-expands-defence-budget-military-modernisation-regional-tensions-4975981>
- Defense post (2024). China boots defense spending as regional disputes heat up, available in: <https://thedefensepost.com/2024/03/05/china-2024-defense-spending/>
- Ding, Sheng (2014). Chinese soft power and public diplomacy; an analysis of China's new diaspora engagement policies in the Xi Era, EAI fellows program working paper series No.43
- Douhrt, Jill (2013). Russia's soft power strategy, a thesis for the degree of master of arts in Liberal studies, the faculty of the School of Continuing studies, Georgetown university
- Ebrahimian, Bthany Allen (2017). This Beijing linked billionaire is funding policy research at Washington's most influential institutions, foreign policy, available in: <https://foreignpolicy.com/2017/11/28/this-beijing-linked-billionaire-is-funding-policy-research-at-washingtons-most-influential-institutions-china-dc/>
- Energy system of China, IEA website, available in: <https://www.iea.org/countries/china>
- Gallarotti, Giulio (2015). Smart power: definitions, importance and effectiveness, journal of strategic studies, issue 3, V.38
- Gombrich, Ernest (1985). A little history of the world, Yale university press, New Heaven and London
- Heywood, Andrew (2011). Global politics, Palgrave Macmillan, first published 2011
- Hooghe, Ingrid (2014). China's public diplomacy, published by Brill-Nijhoff, edited by Jan Melison



- Horowitz, Jason & Alderman, Liz (2017). Chastised by E.U, a resentful Greece embraces China's cash and interests, the New York times, available in: <https://www.nytimes.com/2017/08/26/world/europe/greece-china-piraeus-alexis-tsipras.html>
- Hsu, Sara (2022). US-China battle for chip dominance pushed further by Russia-Ukraine conflict, ICAS, available in: <https://chinaus-icas.org/research/us-china-battle-for-chip-dominance-pushed-further-by-russia-ukraine-conflict/>
<http://eng.chinamil.com.cn/DOCUMENTSPUBLICATIONS/10053010.html>
- Hurley, John & Morris, Scott & Portelance, Gailyn (2018). Examining the debt implications of the belt and road initiative from a policy perspective, center for global development,
- Kerr, David (2010). Central Asia and Russian perspective on China's strategic emergence, international affairs, Vol.86, No.1
- Lanteigne, Marc (2009). Chinese foreign policy; an introduction, first published by Routledge
- Lifting 800 million people out of poverty-new report looks at lessons from china's experience (2022). The world bank, available in: <https://www.worldbank.org/en/news/press-release/2022/04/01/lifting-800-million-people-out-of-poverty-new-report-looks-at-lessons-from-china-s-experience>
- Literacy rate in China (2022). Global data website, available in: <https://www.globaldata.com/data-insights/mactoeconomic/literacy-rate-in-china/>
- Melissen, Jan (2005). The new public diplomacy: soft power in international relations, first published by Palgrave Macmillan
- Mingjiang, Li (2008). Soft power in Chinese discourse: popularity and prospect, RSIS working paper, No.165, Singapore: Nanyang technological university.
- National security strategy (2022). The white house, October 2022, available in: www.whitehouse.gov
- Naughton, Barry (2017). Is China socialist? journal of economic perspectives, VOL.31, N.1
- Nossel, Suzanne (2004). Smart power, foreign affairs, Vol.83, No.2, April 2004
- Nye, Joseph (2004). Soft power: the means to success in world politics, published in the united states by public affairs
- Nye, Joseph (2011). The future of power, published in the united states by public affairs
- Pape, Robert (2005). Soft balancing against the united states, international security, Vol.30, No.1
- Pathak, Sriparna (2015). The peace in China's peaceful rise, available in: <https://www.e-ir.info/2015/10/15/the-peace-in-chinas-peaceful-rise/>
- Philips, Christopher (2022). The international system and the Syrian civil war, international relations 2022, Vol.36
- Ramo, J.C. (2004). The Beijing consensus, London: foreign policy center
- Reglime, Santio & Hodzi, Obert (2021). Comparing US and Chinese foreign aid in the era of rising powers, the international spectator, VOL.56, NO.2, 114-131



- Scobell, Andrew & Nader, Alireza (2016). China in the middle east; the way dragon, published by the RAND corporation, Santa Monica
- Seligman, Lary (2023). Major expansion: China now has more than 500 nukes, Pentagon says, politico, available in: <https://www.politico.com/news/2023/10/19/major-expansion-china-now-has-more-than-500-nukes-pentagon-says-00122440>
- Statistical report on international students in China for 2018, ministry of education, the people's republic of China, available in: <http://en.moe.gov.cn/documents/reports/201904/t20190418-378692.html>
- Steh, Shobhit (2023). Socialist market economies; how China, Cuba and North Korea work?, Investopedia website, December 10, 2023, available in: <http://www.investopedia.com/articles/investing/081514/socialist-economies-how-china-cuba-and-north-korea-work.asp>
- Tan, Weizhen (2019). China's loans to other countries are causing hidden debt. That maybe a problem, CNBC website, available in: <https://www.cnbc.com/amp/2019/06/12/chinas-loans-causing-hidden-debt-risk-to-economies.html>
- Travel and tourism industry in China statistics & facts, statista website, available in: <http://www.statista.com/topics/1210/tourism-industry-in-china/#topicOverview>
- Wang, Dan (2023). China's hidden tech revolution, foreign affairs, available in: <https://www.foreignaffairs.com/china/chinas-hidden-tech-revolution-how-beijing-threatens-us-dominance-dan-wang>
- Wong, Edward (2001). The Chinese at work; collectivism or individualism?, Hong Kong institute of business studies working paper series, retrieved from Lingnan university website: <http://commons.in.edu.hk/hkibswp/31>
- World university rankings for 2023/24 according to Times higher education, Statista website, available in: <https://www.statista.com/statistics/226681/world-university-rankings-by-times-higher-education/>
- Zakaria, Fareed (2008). The post American world, London & New York: Allen Lane
- Zheng, Denies (2009). China's use of soft power in the developing world, edited by Carola McGiffert, Chinese soft power and its implications for the united state competition and cooperation in the developing world, published by the center for strategic and international studies